

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرنکفورت - سپتمبر ۲۰۰۲ م

درد زاهد

کمان ابروی من از کین، پی قتل کمین دارد
لبت قند است اما تلخ می گوید جوابم را
به خون ریزی من تیغ دو دم در آستین دارد
باین طرز سخن نازم که زهر شکرین دارد
نگاهت گرم و سرشار است و در هنگام بد مستی
بنازم این نوازش های قدرت را که عمری شد
یگانه دردمند خود، مرا زار و غمین دارد
ترا بر آسمان برده است و ما را بر زمین دارد
ز جوش گریه کنج دامن من پرز گوهر شد
چه گویم وصف رخسارت که چون تو خالق یزدان
پی نذر قدومت چشم خونینم، همین دارد
نه در روی زمین دارد، نه در چرخ برین دارد
چه زیبا گفت «بیدل» درد بی درمان زاهد را
«اگر مادرد دل داریم، زاهد در دین دارد»
قرین شادمانی باش، گر چه خود نمی دانی
که دور از تو «اسیر» تو دل حسرت قرین دارد